

مسیولوژی‌کال فرهنگی: استراتژی تغییر فرهنگ برای تبشیر مسیحیت

سید جعفر هاتف‌الحسینی*

چکیده

فعالیت میسیونرها در صد سال گذشته بسیار قابل تأمل است. شیوه‌های نو و بلندمدت چندده‌ساله باعث جهشی در تبشیر مسیحیت شده است. با دقت در تبشیر فرق مختلف مسیحیت در صد سال گذشته، به این نکته پی می‌بریم که گام اول تبشیر، تغییر فرهنگ است. تغییر فرهنگ مقدمه‌ای برای تغییر دین مردم به مسیحیت است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به پردازش شواهد تاریخی و علم میسیولوژی در مبحث فرهنگ پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است، مسیحیت تبشیری با استفاده از علم میسیولوژی سعی در تغییر فرهنگ و هویت مردم و در نهایت، تغییر جهان‌بینی آنها دارد تا در سال‌های آینده، موجی از تغییر دین در بین مردم ایجاد کند. شاید در نگاه اولیه، تبشیر از ملزومات هر دین است، ولی مسیحیت تبشیری با کمک کشورهای استعمارگر، یک استعمار دینی، اقتصادی و سیاسی را ایجاد کرده که باعث برهم‌زدن نظم طبیعی فرهنگی جهان شده است. طبق نظر جامعه‌شناس، رابرت مرتون، این تغییر هدفمند، پیامدی بسیار خطرناک خواهد داشت. تغییر فرهنگ یا تحمیل فرهنگ و زبان غربی، استراتژی قدیمی مسیحیت تبشیری است که با فروپاشی استعمار، تداوم نیافته و آگاهی مردم، موج‌های ضد تبشیری در جهان ایجاد کرده است. مسیحیت در گام جدید، تلاش برای ایجاد پارادایم‌های جدید دارد تا به وسیله آن، طبق مدل میسیولوژیست، پاول هیبرت، تغییر جهانی‌بینی انجام دهد.

کلیدواژه‌ها: میسیولوژی، مسیحیت تبشیری، تغییر دین، مدل‌های تبشیر.

مقدمه

حضور هفتصدساله میسیونرهای مسیحی در ایران، همواره با سیر تاریخچه فعالیت‌های تبلیغی مسیحیان در سراسر جهان، پیوندی استوار و ناگسستنی داشته است. از بدو ورود اولین مبلغان مسیحی به ایران در قرن سیزدهم میلادی تا قرن سیزدهم هجری قمری/ نوزدهم میلادی، میسیونرها به عناوین مختلف چون نمایندگان سیاسی، اقتصادی یا مذهبی دولت‌های متبوع خود، در ایران مستقر بودند. در بیشتر موارد، آنان با حمایت حکام و زمامداران این کشور و با پشتیبانی دولت‌های متبوع خود، به انجام امور تبلیغی می‌پرداختند.

با ورود به قرن سیزدهم هجری قمری/ نوزدهم میلادی، با سازمان‌یافتن میسیون تبشیری پروتستان و کاتولیک در اروپا و ایالات متحده آمریکا و ایجاد علوم جدید اجتماعی و همچنین پیشرفت علوم تبشیری مانند میسیولوژی، فصل جدیدی در تاریخچه فعالیت میسیونرهای مسیحی در جهان و ایران گشوده شد.

پیشینه تحقیق

در مورد روش‌ها و شیوه‌های تبشیر مسیحیت در ایران مقالات بسیاری نوشته شده است. این مقالات بیشتر به تدوین روش‌های تبشیری در ایران می‌پردازد، اما مقاله‌ای که هدف تبشیر را مورد تحلیل قرار داده و پیامد آن را بررسی کرده باشد، در پژوهش‌های داخلی یافت نشد. نوشتار حاضر قصد دارد به تحلیل هدف تبشیر بر اساس علم میسیولوژی، که یکی از علوم تبشیر کلیسایی است، پرداخته و اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت اقدامات میسیون را بر اساس سه محور تحلیل کند؛ ابتدا مفاهیم کلی در قالب میسیولوژی و فرهنگ تشریح خواهد شد، سپس رابطه تغییر فرهنگ با تغییر جهان‌بینی بررسی می‌شود و در انتها شواهد تاریخی تغییر فرهنگ توسط میسیونرها در ایران ارائه خواهد شد.

مفاهیم نظری

میسیولوژی^۱: لفظ میسیولوژی از دو کلمه میسیون و لوژی ساخته شده است.

1. missiology



mission + logy. پسوند لوژی یونانی (λογία) است. میسیولوژی علمی دانشگاهی است که بر روی سوابق و اطلاعات تبشیر، تحلیل می‌کند.

میسولوژی‌کال^۱: به مباحث مرتبط با میسیولوژی گفته می‌شود.

میسولوژیست^۲: محقق میسیولوژی، به کسی که شیوه‌ها و مقاصد میسیون مسیحی را مطالعه می‌کند، گفته می‌شود.^۳

انسان‌شناسی: به مطالعه در مورد انسان و رفتار انسان و جوامع، در گذشته و حال می‌پردازد.^۴ آنتروپولوژی^۵ ترکیبی از کلمه یونانی باستان (άνθρωπος) به معنای انسان با کلمه لوژی به معنای مطالعات است.

فرهنگ^۶: رفتار اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع انسانی است. فرهنگ مفهوم مرکزی در انسان‌شناسی است. این مفهوم، طیف وسیعی از پدیده‌هایی که از طریق یادگیری اجتماعی در جوامع انسانی منتقل می‌شود را شامل می‌شود. فرهنگ جوامع^۷ در همه جوامع انسانی یافت می‌شود. اشکال واضح مانند هنر، موسیقی، رقص، آیین، مذهب و فناوری‌هایی مانند استفاده از ابزار، پخت‌وپز، خانه‌ها و لباس، مفهوم فرهنگ را پوشش می‌دهد. همچنین مواردی مانند تکنولوژی، معماری و هنر از مصادیق دیگر است. جنبه‌های غیرمستقیم فرهنگ مانند اصول سازمان اجتماعی (از جمله شیوه‌های سازمان سیاسی و نهادهای اجتماعی)، اسطوره‌شناسی، فلسفه، ادبیات و علم، شامل میراث فرهنگی نامشهود یک جامعه است.^۸

اهمیت فرهنگ در میسیولوژی

فرهنگ نقش اساسی در تبلیغ مسیحیت و دانش میسیولوژی دارد. به نظر آلفرد

1. Missiological
2. Missiologist
3. The Oxford English Dictionary: Vol IX, p889
4. "anthropology". Oxford Dictionaries. Oxford University Press. Retrieved 10 August 2013.
5. anthropology
6. Culture
7. Cultural universals
8. Macionis, John J; Gerber, Linda Marie (2011). Sociology. Toronto: Pearson Prentice Hall. p. 53.

کروبر،^۱ انسان‌شناس فرهنگی آمریکایی، مهم‌ترین تحقیق انسان‌شناسی در نیمه اول قرن بیستم، شناخت و گسترش مفهوم فرهنگ بوده است. شرط پیشرفت تبشیر میسیونری در درک ذات فرهنگ به طور کامل خواهد بود.^۲

لوئیس جی لوزبتاک^۳ معتقد است، فرهنگ مهم‌ترین مفهوم انسان‌شناسی کمک‌کننده به تلاش‌های میسیونری است. فرهنگ به وجود می‌آید؛ زیرا انسان‌ها باید باورها و رفتارهای خود در زمینه‌های مختلف زندگی را با هم ادغام کنند؛ به عنوان مثال، مردم وقتی رفتارهای خود را انتقال می‌دهند، هنجارهای فرهنگی خود را تنظیم می‌کنند.

آنچه به فرزندان آموخته می‌شود، ممکن است باعث تغییر فرهنگی شود. برای درک تعاریف فرهنگ جهت استفاده در میسیون، ما باید با اندیشه‌های انسان‌شناسان^۴ میسیولوژیست، چارلز کرافت،^۵ پل جی هیبرت^۶ و کارلی دود^۷ آشنا شویم. کرافت فرهنگ را به عنوان مکانیسم پیچیده و یکپارچه سازمانی یک جامعه، متشکل از آموختن مفاهیم و رفتار الگو تعریف می‌کند و به علاوه چشم‌اندازهای اساسی آنها جهان‌بینی و تأثیرات ساختگی می‌شود. هم‌چنین کرافت فرهنگ را به عنوان مکانیسم مقابله با جنبه‌های یکپارچه تعریف می‌کند. در همین حال، هیبرت تأکید بیشتری بر جنبه یکپارچه فرهنگ دارد.^۸

کاربرد فرهنگ

قبل از این که بخواهیم درباره تغییر فرهنگ گفتگو کنیم، ضروری است فرهنگ را بشناسیم.

1. Alfred Kroeber
2. MAN SOO (ABRAHAM) MOK. Anthropology from Asian Missiological Insights. PETER LANG. New York. 2013. p16
3. Louis J. Luzbetak
4. anthropologists
5. Charles H. Kraft
6. Paul G. Hiebert
7. Carley H. Dodd
8. MAN SOO (ABRAHAM) MOK. Anthropology from Asian Missiological Insights. PETER LANG. New York. 2013. p17

فرهنگ مانند یک نقشه است

همان‌طور که انسان‌ها کامل نیستند، فرهنگ نیز کامل نیست. با این حال که هیچ فرهنگی کامل نیست، مردم معمولاً اعتقاد دارند که فرهنگ خودشان بهترین است و بر طبق آن عمل می‌کنند. آنها از ساختار فرهنگ خودشان مانند نقشه استفاده می‌کنند. بسیاری در برخورد با فرهنگ دیگری، آن را با فرهنگ خودشان مقایسه می‌کنند. مردم فقط آن‌چه که قبلاً یاد گرفته‌اند را تکرار می‌کنند و تمایل دارند تا آداب و رسوم خود را فرهنگ برتر قرار دهند.

فرهنگ موروثی است

انسان‌ها فرهنگ را هنگام تولد یاد می‌گیرند. آدمیان وقتی به این دنیا می‌آیند، هیچ چیز از زبان، اخلاق، مسئولیت، غذاخوردن، احساس، خوابیدن و پوشیدن نمی‌دانند. آنها شروع به یادگیری این آداب و رسوم از طریق خانواده خود، دوستان، معلمان و همسایگان می‌کنند.^۱

روت بندیت^۲ می‌گوید که ما فرهنگ را با یادگیری به ارث می‌بریم، نه غریزه. زنبورها، مورچه‌ها، و بسیاری از حشرات دیگر می‌توانند در جوامع خود طبق غریزه عمل کنند؛ اما انسان‌ها باید فرهنگ را یاد بگیرند. اگر یک مرد چینی مانند چینی‌ها زندگی کند، او یاد گرفته که چگونه کارهای خود را به شیوه چینی‌ها انجام دهد.^۳

فرهنگ ناخودآگاه یاد داده می‌شود

حدود یک سال پس از تولد، یک کودک شروع به یادگیری راه رفتن، بیان شادی و غم، و طریق استفاده از حمام می‌کند. غالباً هیچ طرح آگاهانه‌ای برای یادگیری این موارد روزمره نیست. بچه‌ها به طور طبیعی، ناخودآگاه به طور روزانه فرهنگ خود را از اطراف خود یاد می‌گیرند. وقتی یک مرد جوان برزیلی با نامزدش به یک رستوران

1. MAN SOO (ABRAHAM) MOK. Anthropology from Asian Missiological Insights. PETER LANG. New York. 2013. p 20
2. Ruth Benedict
3. MAN SOO (ABRAHAM) MOK. Anthropology from Asian Missiological Insights. PETER LANG. New York. 2013. p18

می‌رود، آنها با هم در یک طرف کنار می‌نشینند؛ درحالی که در فرهنگ آمریکایی، روبه‌روی هم می‌نشینند. در فرهنگ کره‌ای، زوجها مثل برزیلی‌ها هستند. نوع رفتار افراد در هر فرهنگی متفاوت است و ناخودآگاه با توجه به سبک‌های خود، زندگی می‌کنند.^۱

فرهنگ دینامیک است

فرهنگ یخ‌زده و ساکن نیست؛ اگرچه تغییر درجه‌ها یا سرعت‌های مختلفی وجود دارد. فرهنگ همیشه تغییر می‌کند. یک فرهنگ ممکن است انعطاف‌پذیرتر باشد؛ درحالی که فرهنگ دیگر سخت‌تر است. فرهنگ دارای دو چهره است: یکی ساکن و دیگری متغیر است؛ زیرا مردم از سویی می‌خواهند سنت خود را حفظ کنند، اما از سوی دیگر، ترجیح می‌دهند آن را تغییر دهند. لذا طبیعت فرهنگ، ارگانیسم پویا است. طبیعتش آن را تغییر می‌دهد و تنظیم می‌کند؛ گاه با موفقیت، و گاه با موفقیت کمتر.

در فرهنگ، عناصر جدید دائماً در حال اضافه‌شدن هستند؛ درحالی که عناصر از دست‌رفته دیگر، جایگزین یا همجوشی می‌شوند. به طور کلی تغییراتی که اتفاق می‌افتد، به طور تصادفی نیستند.^۲

فرهنگ هدایتگر است

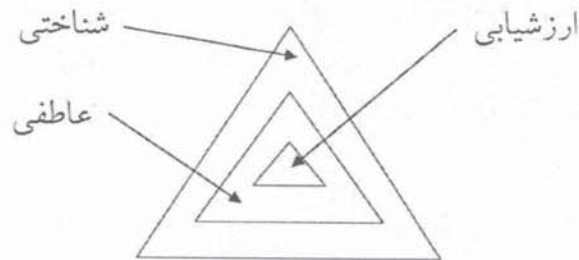
فرهنگ، مردم را در هر جامعه هدایت می‌کند؛ مانند نوع غذاخوردن، تعیین شیوه‌ای برای خوردن غذا، که طبق عرف جامعه قابل قبول و غیرقابل قبول باشد، چگونگی لباس، نحوه ارتباط، و چگونگی سخن گفتن.

میسوونها باید درک فرهنگ را به دست آورند و تحلیل درستی از فرهنگ خود و فرهنگ کشور میزبان داشته باشند تا فعالیت میسیونری آنها دارای ثمره باشد.^۳

1. MAN SOO (ABRAHAM) MOK. Anthropology from Asian Missiological Insights. PETER LANG. New York. 2013. pp 19
2. Louis J. Luzbetak, S.V.D. THE CHURCH AND CULTURES New Perspectives in Missiological Anthropology. Orbis Books, Maryknoll, 1998 p 334
3. MAN SOO (ABRAHAM) MOK. Anthropology from Asian Missiological Insights. PETER LANG. New York. 2013. p 20

به طور مثال وضعیت سگ در فرهنگ شهر مانادوی^۱ اندونزی و فرهنگ آمریکای شمالی بسیار متفاوت است. در مانادو سگ به عنوان گوشتی لذیذ استفاده می‌شود، ولی در آمریکای شمالی یک حیوان خانگی دوست‌داشتنی است. این‌که در فرهنگ آمریکا به عنوان دوست انسان شناخته می‌شود، به خاطر تفاوت فرهنگ است.^۲

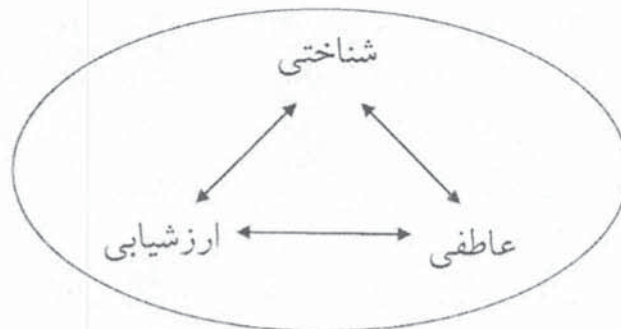
میسولژیست، هیبرت فرهنگ را در سه بخش طبقه‌بندی می‌کند: شناختی، عاطفی و ارزیابی. بخش اول فرهنگ، شناختی است که شامل منطق، عقل و دانش می‌شود. بخش دوم، عاطفی است که شامل تأثیر، زیبایی و احساس است. بخش ارزشیابی فرهنگ، شامل چیزهایی مانند ارزش‌ها، ایمان و وفاداری است. او این سه عنصر را چنان‌که در شکل زیر نشان داده شده است، به تصویر می‌کشد. وی اصرار دارد که سطح ارزیابی، عمق بیشتری دارد و عمیق‌تر از دو بخش دیگر است. سطح شناختی بیشتر سطحی است و بخش عاطفی در وسط است.



عناصر فرهنگ از دیدگاه هیبرت

من سو (ابرام) مُک، نظر دارد که این سه سطح شناختی، عاطفی و ارزیابی، نمی‌تواند به طور کامل باشد. اگرچه هیبرت آنها را چنین تقسیم می‌کند، ولی سطوح به صورت تعاملی با یکدیگر در ارتباط هستند.^۳

1. Manado
2. John Mark Terry. Missiology: An Introduction to the Foundations, History, and Strategies of World Missions. Nashville, Broadman & Holman Publishers, 1998
3. MAN SOO (ABRAHAM) MOK. Anthropology from Asian Missiological Insights. PETER LANG. New York. 2013. p18



عناصر تعامل فرهنگی

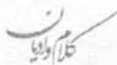
میسولوژی چیست؟

اکنون که با تعریف و ویژگی‌های فرهنگ آشنا شدیم، لازم است بدانیم که میسیونرها چگونه می‌خواهند از فرهنگ برای گسترش مسیحیت بهره‌برداری کنند. اما قبل از آن لازم است با میسولوژی از دیدگاه میسولوژیست لوزبتاک آشنا شویم. علم میسولوژی یک رشته تلفیقی میان‌رشته‌ای است. اگرچه اساساً وجوه مختلف علمی در موضوع وجود دارد، ولی میسولوژی، برای درک بهتر آن موضوع از جهات مختلف است. میسولوژی صرف یک رشته مانند انسان‌شناسی نیست؛ بلکه حاصل جمع‌آوری رشته‌ها به شکل شبکه‌ای سیستماتیک است که با یکدیگر همکاری دارند.¹



نمودار جریان اجزا و نیروها در فرایند میسولوژی

1. Louis J. Luzbetak, S.V.D. THE CHURCH AND CULTURES New Perspectives in Missiological Anthropology. Published by Orbis Books, Maryknoll. 1988 pp 32-35



مسیونرها در جهت بهبود تبشیر، تلاش گسترده‌ای برای شناخت دقیق فرهنگ هر منطقه کردند و بعد از شناسایی دقیق فرهنگ منطقه، یک روش فرهنگی برای نفوذ ارائه دادند. بعد از سال‌ها تلاش، این رشته با نام تقابل فرهنگی^۱ تدوین شد. مسیولوژیست‌ها تلاش می‌کنند تا تعارضات فرهنگی بین دین مسیحیت و دین منطقه را شناسایی کنند و در حد امکان، این اختلافات را به حداقل برسانند. مدل‌هایی برای بهبود نوشته می‌شود تا به صورت منسجم انجام شوند.

مسیولوژی و انسان‌شناسی و تغییر فرهنگ

یکی از مهم‌ترین شاخه‌های دانشی‌ای که مسیولوژیست‌ها برای گسترش مسیحیت از آنها بهره‌برداری می‌کنند، انسان‌شناسی است. انسان‌شناسی و مسیون، تاریخ پرتلاطمی از گذشته تا کنون با هم داشته‌اند. مسیولوژی با کمک علم انسان‌شناسی یک مدل تبلیغی تقابل فرهنگی ارائه می‌دهد و برای نزدیکی در بینش انسان‌شناسی تلاش می‌کند.^۲

در دانش انسان‌شناسی مسیولوژی موضوعات مختلفی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ از جمله: انسان‌شناسی فرهنگی اجتماعی، طبقه‌بندی انسان‌ها، شیوه‌های تغییر جهان‌بینی و شیوه‌های تبدیل کردن.^۳

مسیولوژیست‌ها معتقدند فعالیت تبلیغی کلیسا، فقط از طریق تغییر طبیعت فرهنگ امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر تأسیس پادشاهی مسیحی خدا، با تغییر فرهنگ رخ می‌دهد.^۴ علی‌رغم دانش محدود ما در مورد فرهنگ دینامیک، آنچه تا الان شناخته شده است، می‌تواند روش قابل‌توجهی برای تبشیر مسیحیت در تغییر فرهنگ باشد.^۵

1. Cross-Cultural
2. DARRELL L. WHITEMAN. Anthropology and Mission: The Incarnational Connection. *Missiology: An International Review*, Vol. XXXI, No.4, October 2003 p 397
3. *Missiology: An International World*. *Missiology's Journey for Acceptance in the Educational*. Tom Steffen *Review*, r01. XXXI, No.2, April 2003 p 135
4. GERALD E. BATES. Missions and Cross-Cultural Conflict. *Missiology: An International Review*, Vol. VIII, No.1, January, 1980
5. Louis J. Luzbetak, S.V.D. THE CHURCH AND CULTURES New Perspectives in *Missiological Anthropology*. Published by Orbis Books, Maryknoll. 1988 pp 342-343

دریل وایتمن، پرفسور دانشکدهٔ انسان‌شناسی فرهنگی در دانشگاه میسیون جهانی و اونجلیسم می‌نویسد:

در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، افزایش علاقهٔ انسان‌شناسی آمریکایی به تغییر فرهنگ، منجر به شکل‌گیری مطالعات آموزشی این رشته شد. مورد مطالعاتی آن، سرخ‌پوستان بومی آمریکا بودند. هم‌زمان در بریتانیا، انسان‌شناسان به علت جوامع در حال تغییر آفریقای تحت تأثیر استعمار، مورد توجه قرار گرفتند. بعدها آن را مطالعهٔ تماس فرهنگی نامیدند. این تغییر در تأکید، برای آنان بسیار مهم بود.

تا به امروز مطالعات زیادی در زمینه‌های مختلف انجام شده است و میسیونرها تمرکز زیادی بر تغییر فرهنگ به عنوان قدم اول در تغییر دین پیروان ادیان دیگر دارند. کنفرانس (۱۹۷۵) در مورد میسیونری رسمی در اقیانوسیه^۱ توسط انجمن انسان‌شناسی اجتماعی در اقیانوسیه سازمان یافته است. یکی از اهداف این مطالعه، کمک به پرکردن شکاف مواجههٔ جمعیت بومی با میسیونرهای مسیحی از نظر انسان‌شناسی و هم‌چنین تحلیل روند تغییراتی این مواجهه است و تمرکز به نقش میسیونرها به عنوان تغییر-دهندهٔ فرهنگ دارند.^۱

شیوه‌های تغییر فرهنگ در مناطق مختلف

هدر جی شارکی، استادیار گروه زبان و تمدن شرق دانشگاه پنسیلوانیا است. او می‌نویسد:

روش‌های اجتماعی میسیونری برای "تغییر" کاملاً متفاوت بوده است. در برخی مکان‌ها، افراد و جوامع مرتبط با مسیحیت، شیوهٔ تغییر را مطابق با سنت‌های فرهنگی هریک برنامه‌ریزی می‌کردند که این شیوه در بلندمدت به ظهور ناهماهنگ فرهنگ‌های غیرمسیحی منتج گردید. در مکان‌های دیگر، میسیونرها از هویت‌های غیرمسیحی ملی‌گرایان تندرو تصورات وطن‌پرستی را تشدید می‌کردند. این روش بیشتر در بین مسلمانان، یهودیان، هندوها و جوامع بودایی انجام می‌شد؛ زیرا قبلاً سنت‌های تمدنی قدرتمندی داشتند.

1. Darrell L. Whiteman. Melanesians and Missionaries: An Ethnohistorical Study of Social and Religious Change in the Southwest Pacific. William Carey Library 1983 p5-9

در میان مسیحیان شرقی و مخصوصاً ارتدکس میسیونرها نیز هویت‌های غیرکاتولیک و غیرپروتستان را تشدید کردند. این مأموریت گاهی اوقات به‌طور کلی به بازپروری روابط منجر شد؛ مانند: روابط خانوادگی، روابط جنسی و حتی روابط بین جوانان و قدیمی‌ترها. با تغییر مفاهیم اموال، آماده‌کردن نیروی کار به روش‌های جدید، و شکل دادن به محیط فیزیکی، فعالیت میسیون دیدگاه جدید اقتصادی می‌ساخت. به‌طور خلاصه، برخورد میسیونرها منجر به تحولاتی شد که متغیر بودند؛ اغلب مبهم و اغلب پیش‌بینی‌نشده. دلایل زیادی برای همه این اتفاقات وجود داشت. دلیل اصلی آن دوربودن از اهداف مذهبی بود.^۱

هدر شارکی با استدلال به مقاله «پیامدهای ناخواسته از اقدامات اجتماعی هدفمند» از جامعه‌شناس روبرت سی مرتون،^۲ معتقد است که تغییر هدفمند فرهنگ توسط میسیونرها، عامل آشوب و تنش فرهنگی-اجتماعی است که پیامدهای خطرناکی خواهد داشت.^۳ آن‌چه مسلم است این‌که، مسیحیت تبشیری با پرورش تفکرات ملی‌گرایی در مقابل اسلام‌گرایی، توانست هویت اسلامی-ایرانی را تجزیه کند. این روشی بود که در جوامع اسلامی، به دلیل سابقه تمدنی استفاده می‌شد.

مدل وایتمن در تغییر فرهنگ

یکی از نظریه‌پردازان برجسته در زمینه میسیولولوژی فرهنگی، دارل وایتمن است. وی در کتابش می‌نویسد:

من می‌خواهم مدل‌های پایه مطالعات تغییر فرهنگ ناشی از تعامل میسیونرها و مردم را به‌طور صریح بیان کنم. من ترکیبی از سه رویکرد تغییر فرهنگ را به‌عنوان مهم‌ترین چارچوب برای مطالعه و تحقیق پیدا کرده‌ام. نخستین این رویکردها، مدل جدید انسان‌شناس، هومر گارت بارنت است. دومین مورد توسط آرتور نیکولز (۱۹۶۶) از رابطه بین مردم

1. Heather J. Sharkey. Cultural Conversions Unexpected Consequences of Christian Missionary Encounters in the Middle East, Africa, and South Asia. Syracuse University Press. 2013 p ۲
2. Robert C. Merton
3. Ibid p 3

طرفدار تغییر و کسانی که آن را می‌پذیرند، الهام گرفته شده است. روش سوم از اف ویلیامز (۱۹۳۵)، نگاهی به نحوه تغییر فرهنگ هدایتگر می‌کند.^۱

مدل‌گزینی وایتمن مقدماتی دارد: ۱- تمام فرهنگ‌ها یکپارچه‌اند اما این یکپارچگی ایستا نیست. ۲- هر فرهنگی سیستم متناسب با نیازهای جامعه است و قابلیت تغییرات اجتماعی فیزیکی و ایدئولوژیکی را دارد. ۳- حامی تغییر در فرایند نوآوری تأثیر دارد، اما نهایتاً بومیان هستند که تصمیم می‌گیرند، این تغییر را بپذیرند، رد کنند یا اصلاح کنند. ۴- نوآوری فرایندی اجتماعی-روان‌شناختی است و نتیجه نهایی تغییر، محصول ترکیب ایده عرضه‌شده با مجموعه ایده‌های موجود در ذهن جامعه مقصد است. نتیجه در جوامع متأثر از فرهنگ غرب، اختلاط فرهنگی است. ترکیب این اختلاط فرهنگی محصول تغییرات عرضه‌شده از بیرون جامعه، روش مورد استفاده عامل تغییر، و فهم بومیان و عکس‌العمل آنها به تغییرات عرضه‌شده است.

بارنت در مورد اصل تغییر فرهنگی می‌نویسد: «تغییر ناشی از اضافه یا حذف قطعات نیست. تغییر فرهنگ، ترکیب نو در شکل است». تحولات فرهنگی‌ای که توسط میسیونر انگلیکن انجام شد، ایده‌های جدید را با فرهنگ قدیم ترکیب کرد.^۲

وایتمن می‌نویسد:

نیهوف (۱۹۶۶) سهم قابل توجهی در پیشبرد درک ما از روند تغییر فرهنگ داشته است. او با استفاده از مدل بارنت، الگویی خاص برای رابطه طرفداران و گیرندگان ارائه داد. او با پیش‌بینی واکنش گیرندگان، طرحی ترکیبی برای تغییر فرهنگ ارائه می‌دهد.^۳

1. Darrell L. Whiteman. Melanesians and Missionaries: An Ethnohistorical Study of Social and Religious Change in the Southwest Pacific. William Carey Library 1983 p5
2. Darrell L. Whiteman. Melanesians and Missionaries: An Ethnohistorical Study of Social and Religious Change in the Southwest Pacific. William Carey Library 1983 p5-9
3. Darrell L. Whiteman. Melanesians and Missionaries: An Ethnohistorical Study of Social and Religious Change in the Southwest Pacific. William Carey Library 1983 p6



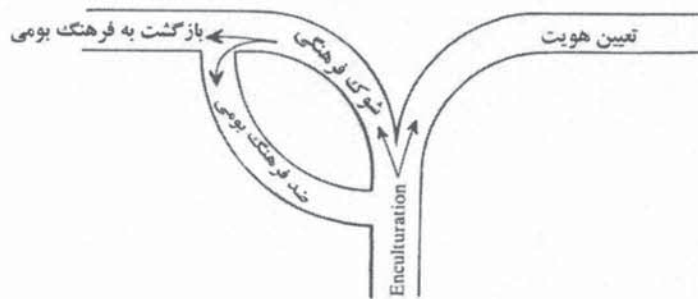
مدل نیهوف برای تغییر فرهنگ هدایتگر

در مدل تغییر فرهنگ نیهوف، یک تغییر از سمت میسیونرها (حامی تغییر) عرضه می‌شود و از سوی بومیان (نوآوران) بررسی می‌شود. فرایند تغییر با یک عامل تغییر ایجاد شده و با پذیرش یا رد پذیرنده مواجه می‌شود. در واقع تغییر عرضه شده، از سوی مخاطب گرفته می‌شود، بر اساس اقتضائات فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی، تغییراتی می‌بیند، اصلاح می‌شود، با شرایط فرهنگ بومی هماهنگ می‌شود، و در- نهایت، به نوعی یکپارچه‌سازی نسبی می‌رسد.

مدل اینکالچریشن (تحیر فرهنگی)

لوئیس جی لوزبتاک، میسیونرولوژیست انسان‌شناس می‌نویسد:

انسان در تنظیم فرهنگ، امکان دارد در برابر شوک فرهنگی قرار گیرد که باعث بازگشت به فرهنگ قدیم می‌شود. گاهی باعث ایجاد ضدفرهنگ بومی می‌شود، ولی کوتاه‌مدت است و برای بازگشت به فرهنگ جدید یا فرهنگ بومی تلاش می‌کند.^۱



مراحل تنظیم محیط فرهنگی جدید

1. Louis J. Luzbetak, S.V.D. THE CHURCH AND CULTURES New Perspectives in Missiological Anthropology. Published by Orbis Books, Maryknoll. 1988 p256

اصطلاح اینکالچریشن^۱ به معنای حاکمیت تدریجی ویژگی‌ها و هنجارهای یک فرهنگ توسط فرد یا یک فرهنگ دیگر است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، تغییر فرهنگ توسط میسیونرها پیامدهای خطرناکی دارد که از جمله آنها شوک فرهنگی است:

شوک فرهنگی^۲، تجربه فرد از تغییر محیط فرهنگی اطرافش، که با فرهنگ خود متفاوت است، می‌باشد. همچنین اضطراب و گیجی هنگام تجربه یک روش ناآشنا در زندگی، به دلیل مهاجرت یا بازدید از یک کشور جدید یا تغییر محیط‌های اجتماعی، شوک فرهنگی است.^۳ هیچ راه واقعی‌ای برای جلوگیری کامل از شوک فرهنگی وجود ندارد؛ زیرا افراد در هر جامعه‌ای شخصاً تحت تأثیر تضادهای فرهنگی هستند.^۴

یکی از پیامدهای تغییر هدفمند فرهنگ را می‌توان شوک فرهنگی دانست. فرد بین فرهنگ بومی و جدید متحیر می‌ماند و حتی مدتی ضد فرهنگ بومی می‌شود تا از این حالت بیرون آید و بین فرهنگ جدید و قدیم یکی را انتخاب کند.

مدل تغییر جهان‌بینی پاول هیبرت

جهان‌بینی یکی از مفاهیم انسان‌شناسی فرهنگی است که در توصیف و مقایسه فرهنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. جهان‌بینی مجموعه ایده‌هایی است که فرد در یک گروه، از جهان اطراف خود دارد. تلاش می‌شود این ایده‌ها از منظر درون فرهنگ به جای خارج تعریف شود.^۵

1. Enculturation

2. Culture shock

3. Macionis, John, and Linda Gerber. "Chapter 3 - Culture." Sociology. 7th edition ed. Toronto, ON: Pearson Canada Inc., 2010. 54

4. Barna, LaRay M. "HOW CULTURE SHOCK AFFECTS COMMUNICATION." Communication 5.1 (n.d.): 1-18. SocINDEX with Full Text. EBSCO. 29 Sept. 2009. web.

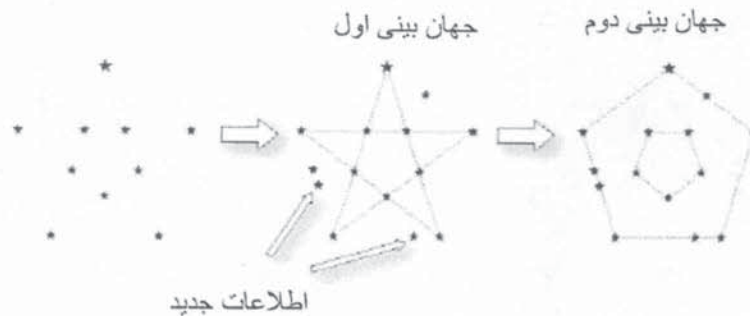
5. "World View." International Encyclopedia of the Social Sciences. Retrieved August 03, 2019 from Encyclopedia.com:

مسیولوژیست انسان‌شناس، هیبرت، دو عامل تغییر فرهنگ و شیفت‌پارادایم را موجب تغییر جهان‌بینی می‌داند. تغییر غیرطبیعی جهان‌بینی به وسیله شیفت‌پارادایم موجب تغییر جهان‌بینی می‌شود و این غیر از حرکت طبیعی تغییر جهان‌بینی است. در شیفت‌پارادایم تغییر کلی در اصل جهان‌بینی ایجاد می‌شود.

پاول هیبرت می‌نویسد:

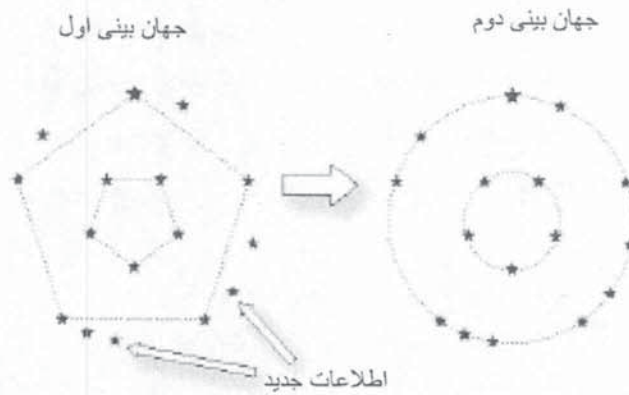
فرهنگ‌ها طبیعتاً به طور مداوم تغییر می‌کنند و این تغییرات، اغلب به تغییرات در جهان‌بینی منجر می‌شود. این تغییرات در سطح ناخودآگاه است. وقتی جهان‌بینی‌ها تغییر می‌کنند، جهان واقعی تغییر نمی‌کند، اما پس از تحول، مردم در یک درک کاملاً متفاوت زندگی می‌کنند. درک جهان در یک دنیای مجازی، با تم‌ها و ضدتم‌ها است. هر جهان‌بینی‌ای طرفداران خاص خود را دارد. در جوامع بزرگ، یک جهان‌بینی وجود ندارد. عامل دیگر در تغییر جهان‌بینی، رشد و تغییرات رادیکال است. تغییرات جهان‌بینی رادیکال، سازماندهی مجدد زمینه‌ای اجزا است. توماس کوهن^۱ این تغییرات را «پارادایم‌شیفت»^۲ می‌نامد.

تغییرات الگو مانند بازسازی خانه با استفاده از قطعات و قطعات قدیمی است؛ اما با یک روش کاملاً جدید برای تنظیم پیکربندی اساسی همراه است.^۳



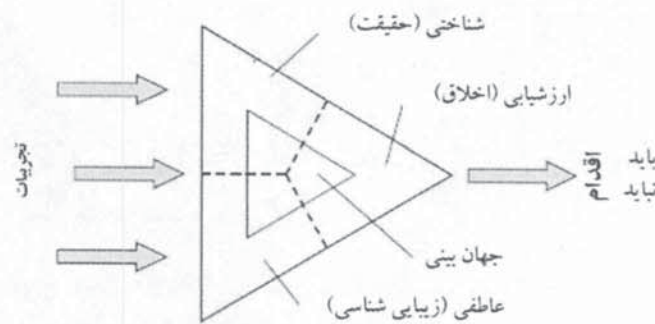
تغییرات طبیعی جهان‌بینی

1. Thomas Kuhn
 2. paradigm shifts
 3. Paul G. Hieber. Transforming Worldviews: An Anthropological Understanding Of How People Chang. Published by Baker Academic a division of Baker Publishing Group. 2008 pp 328-3321



تغییرات غیرطبیعی جهان بینی

ابعاد فرهنگ



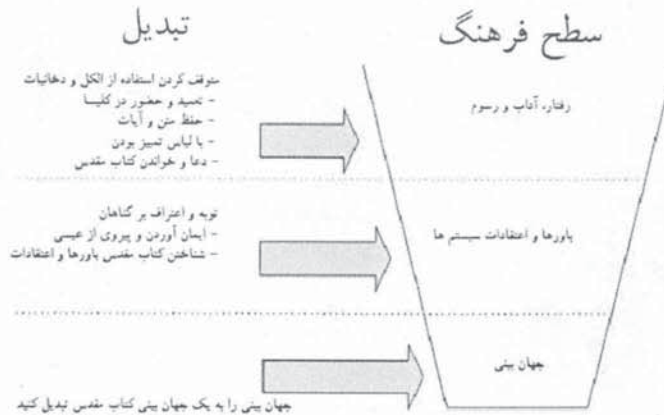
ابعاد فرهنگ از دیدگاه هیبرت و جایگاه جهان بینی در تقسیمات داخلی فرهنگ^۱

سطوح پارادایم شیفت پاول هیبرت

دیدگاه میسیولوژیست انسان شناس، پاول هیبرت در مورد سطوح تغییر، شامل سه سطح رفتار و آیین ها، عقاید و جهان بینی است. نومسیحیان باید به گونه ای متفاوت زندگی کنند؛ زیرا آنها مسیحی هستند. با این حال اگر رفتار آنها اساساً بر اساس فرهنگ قبلی باشد، از یک فرهنگ مرده پیروی کرده اند و این تغییر رفتار، باید منجر به تبدیل در باور نیز بشود. اما اگر این تغییر رفتار منجر به تغییر باور نشود، این ایمان

1. Paul G. Hiebert. The Gospel in Human Contexts: Anthropological Explorations for Contemporary Missions. Baker Academic. 2009 p 142

دروغین است. اگرچه تغییر باید شامل تغییر رفتار و اعتقادات باشد، ولی اگر در نهایت به تغییر جهان‌بینی منجر نشود، در درازمدت باورها و رفتارهایشان نابود شده است و به فرهنگ محلی متصل می‌شوند. در این جدول سه سطح تغییر ترسیم شده است.^۱



سه سطح از تغییر

طبق این مدل ابتدا باید سنت‌ها و آداب زندگی مسیحی جایگزین سنت‌ها و آداب زندگی فرهنگی گروه هدف شود تا کم‌کم این تغییر سنت‌ها به تغییر باور و جهان‌بینی منجر شود.

هیبرت در مقاله «تغییر دین و تغییر جهان‌بینی» به این نکته اشاره می‌کند. در تغییر دین باید جهان‌بینی تغییر یابد. اگر این تغییر جهان‌بینی از طریق شاگردسازی نباشد، در آینده با الحاد مسیحیت روبه‌رو می‌شوند.^۲

فیل پارشال معتقد است، پذیرش سنت و آداب مسیحی برای مسلمانان سخت‌تر از پذیرش الهیات مسیحی است. او راه حل را جایگزینی اولیه فرهنگ غربی با فرهنگ اسلامی و بعد جایگزینی الهیات می‌داند. توضیح در شکل زیر داده شده است.^۳

1. Paul G. Hieber. Transforming Worldviews: An Anthropological Understanding Of How People Chang. Published by Baker Academic a division of Baker Publishing Group. 2008 pp327-328
2. Paul G. Hiebert. Conversion and Worldview Transformation. INTERNATIONAL JOURNAL OF FRONTIER MISSIONS. 2010-05-19
3. PHIL PARSHALL. Muslim Evangelism Contemporary Approaches to Contextualization. PHIL PARSHALL. 2013 p 93

موانع
موانع اولیه در پذیرش انجیل شامل فرهنگ و مذهب متفاوت است
موانع اجتماعی اصلی ترین مانع است که جایگزین موانع الاهیاتی شده است
 برای غلبه بر این وضعیت چه می توان کرد؟



تغییر فرهنگ در زمینه‌های مختلف، از شباهت معماری تا مراسمات دینی و مراسمات عرفی جامعه است.

شواهد تاریخی فعالیت میسیونرها برای تغییر فرهنگ ایرانیان

در قرن نوزدهم و بیستم، میسیونرهای مسیحی از اروپا و آمریکای شمالی به سمت آفریقا و آسیا اعزام شدند و با کمک امپریالیسم غربی، توانستند مدارس، بیمارستان‌ها و چاپخانه‌هایی تأسیس کنند. مطبوعات و این مراکز، ابزاری برای انتشار مسیحیت بودند. میسیونرها برای تغییر مردم آمده بودند؛ برای همین، هدف آنها نفوذ در قدرت بود و اقداماتشان کاملاً سیاسی بود.^۱

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد هدف اولیه میسیونرها در ایران تغییر کیش نبود؛ بلکه تغییر فرهنگ را دنبال می‌کردند. همان‌طور که گذشت، طبق نظر هدر جی شارکی،^۲ استادیار دانشگاه پنسیلوانیا، مدل تبشیری مسیحیت در کشورهای اسلامی برای تغییر فرهنگی، ترویج ملی‌گرایی افراطی بوده است.

1. Heather J. Sharkey. Cultural Conversions Unexpected Consequences of Christian Missionary Encounters in the Middle East, Africa, and South Asia. Syracuse University Press. 2013 p 1
 2. Heather J. Sharkey



یاسمین رستم کلایی، استادیار تاریخ در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، در مقاله «از اوانجلیسم به مدرن‌سازی ایرانیان: میسیون پرسبیتترین آمریکایی و دانش‌آموزان ایرانی آنان» به بررسی پروژه آموزش و پرورش آمریکایی از اوایل قرن نوزدهم تا ۱۹۴۰ در ایران می‌پردازد. او می‌نویسد:

تعاملاتی میان پرسبیتری‌های آمریکایی، دولت ایران و دانشجویان و خانواده‌های مدارس دخترانه ایرانی بود. مطالعه مدرسه پیشاهنگی دختران^۱ در ایران بیت‌ئیل/نوربخش و تاریخ شصت‌وشش‌ساله آن، اهداف، تاکتیک‌ها و دستاوردهای تبشیری و همین‌طور سازگاری‌ها و تطبیقی که بر اثر فشار ایرانیان متحمل شد را نشان می‌دهد. علی‌رغم سبک مدرن این مدارس بر اساس هنجارهای آمریکایی، فارغ‌التحصیلان جوان ایران بیت‌ئیل/نوربخش، حس قوی التزام به ایران و اسلام از خود بروز می‌دادند. از این‌رو میسیون تبشیری تغییر استراتژی داد و ترویج ملی‌گرایی ایرانی و مدرنیته، به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری تبدیل شد.^۱

قبلاً بیان شد که مدل تغییر فرهنگ در جامعه اسلامی ترویج ملی‌گرایی افراطی در مقابل اسلام بود. این که بعد از ۶۶ سال تبشیر، فارغ‌التحصیلان مدارس میسیونری حس قوی التزام به ایران و اسلام داشتند، نشان از هویت اسلامی-ایرانی بود. در مقابل، میسیون با تغییر استراتژی به ترویج ملی‌گرایی افراطی، مدل تبشیری خود را تغییر داده تا بتواند این هویت ایرانی-اسلامی را تجزیه کند.

میسوینر جیان هوار^۲ در سال (۱۹۳۳-۱۹۳۶) فرستاده انگلیکن در ایران بود. کتاب خاطراتش با نام «چیزی جدید در ایران»^۳ به بررسی جامعه ایرانی و مسیحیت می‌پردازد. او علت این نام‌گذاری را در مقدمه کتابش چنین آورده است که در بررسی قانون کشف حجاب در ایران، از دختران مدرسه میسیونری استیلمن اصفهان می‌خواهند انشایی در این زمینه بنویسند. یکی از دختران، انشایی با این نام می‌نویسد: «چیزی جدید در ایران». او می‌نویسد: من هفده سال دارم. من در

1. Jasamin Rostam-Kolayi. From Evangelizing to Modernizing Iranians: The American Presbyterian Mission and its Iranian Students. *Iranian Studies*, volume 41, number 2, April 2008. P 213
2. J. N Hoare
3. SOMETHING NEW IN IRAN BY THE REV. J. N. HOARE Missionary in Iran 1933-6

کفن‌های سفید و سیاه پیچیده شده‌ام. من زندگی‌ام از یک ماه پیش آغاز شد که حجاب ممنوع شد و از تاریکی به سمت خورشید و نور حرکت کردم. فرمان اعلی حضرت رضاخان باعث چیزی جدید در ایران شد.^۱

هوار در بیان قانون کشف حجاب آن را به رنسانس تشبیه می‌کند که از باستان‌گرایی به مدرن شدن حرکت می‌کند و منجر به ایجاد جنبش‌های آزادی زنان در جامعه می‌شود.

او در فصل تغییر عادات ایرانیان کتابش، نکاتی در مورد اقدامات رضاخان بیان می‌کند. وی در مورد کلاه‌پهلوی توضیح می‌دهد که این کلاه به خاطر داشتن لبه، باعث سخت‌سجده کردن می‌شد. از مواردی که به عنوان عادات جدید نام برده می‌شود، حذف القاب، دوچرخه‌سواری بانوان و ورود مبلمان، ورود مسیحیان با کفش به داخل مسجد بدون رعایت آداب اسلامی مثل رفتن با کفش روی فرش مسجد، ورود سینما به ایران و رفتن دختران ایرانی به هندوستان برای بازیگری، اردوی‌های پیشاهنگی، ورزش‌های جدید مثل فوتبال و دوچرخه‌سواری و ژیمناستیک و شنا برای دختران به صورت اجباری در کالج می‌باشد. او در ادامه به این نکته اشاره می‌کند:

ایران مدرن مصمم به جلو می‌رود که مقابله با خرافات و مذهب ایرانی کند و این مدرن‌سازی کمک به تبشیر مسیحیت می‌کند که تفاوت بین غرب و شرق را کاهش می‌دهد. نسل جوان ایرانی به دنیای متفاوت نسبت به پدرانشان آورده شده‌اند. اجداد آنها روی زمین نشسته و قرآن را خوانده بودند؛ پسرها و دختران به مدارس مدرن مبتنی بر ایده‌های غربی می‌روند.^۲

گسترش مدارس و ترویج بی‌باکانه فرهنگ غربی و مقابله با فرهنگ ایرانی-اسلامی و درنهایت، تبشیر مسیحیت، جامعه فرهنگی ایران را مضطرب کرد. در نهایت در سال ۱۹۰۳ (۱۲۸۲ ش.) مظفرالدین شاه فرمانی صادر کرد که والدین باید دخترانشان را از مدرسه «خارجی» بیرون بیاورند؛ به این دلیل که به آنها یاد داده می‌شود که «کفش‌های پاشنه‌بلند و دامن بپوشند». والدین بی‌درنگ دخترانشان را از

1. SOMETHING NEW IN IRAN BY THE REV. J. N. HOARE Missionary in Iran 1933-6 p 3
2. JN HOARE. SOMETHING NEW IN IRAN. Missionary in Iran 1933-6 CHURCH MISSIONARY SOCIETY 6, SALISBURY SQUARE, LONDON, EC4 1937. Pp 34-38

مدرسه بیرون بردند؛ اگرچه در ظرف یک ماه تقریباً همه دانش‌آموزان دوباره در مدرسه حضور یافتند.^۱

میکایل زیریرکسی^۲ در مقاله «هاربرینگ تغییر: زنان پرسبیترین در ایران، ۱۸۸۳-۱۹۴۹»^۳ به بررسی نقش میسیونرهای زن آمریکایی در جامعه زنان ایرانی می‌پردازد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، تعداد قابل‌توجهی از زنان پروتستان آمریکایی در ایران به عنوان مبلغ زندگی می‌کردند. آنها آمدند تا انجیل مسیح را مطرح کنند تا ایرانیان را به مسیحیت اونجلیسم تبدیل کنند. آنها آموزش و پرورش مدرن و پزشکی را برای تغییر شیوه زندگی ایرانی‌ها به یک شیوه زندگی غربی ساختند. گرچه اهداف آنها اکنون به عنوان نژادپرستی شناخته می‌شود، ولی میسیونرها از دستاوردهای خود قدردانی می‌کنند. آنها برخی از اولین مدرسه‌ها و بیمارستان‌های مدرن را در ایران تأسیس کردند. آنها برخی از ایرانیان را متعهد به پذیرش روابط خانوادگی غربی کردند و دولت ایران را به تصویب قوانین دفاع از حقوق زن غربی تشویق کردند (به عنوان مثال، منع چندهمسری، کودک‌همسری، ازدواج موقت و طلاق آسان که در شریعت اسلام لازم است).^۴



مدارس میسیونری انگلیکن اصفهان در دوره پهلوی - دختران مسلمان ایرانی با فرهنگ جدید

۱. ام رینگر، مونیکا، آموزش دین و گفت‌وگو با اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، ص ۱۴۱-۱۵۶.

2. Michael P. Ziririsky

3. Harbingers of Change: Presbyterian Women in Iran, 1883-1949

4. Michael P. Ziririsky. Harbingers of Change: Presbyterian Women in Iran, 1883-1949. American Presbyterians, Vol. 70, No. 3 p 173

اختلاف فرهنگی دو نسل از دختران ایرانی در قاجار و پهلوی در تصویر زیر قابل مشاهده است.



اختلاف فرهنگ در دو نسل ایرانی: مادر ایرانی با چادر چاقچور و فرزند با لباس غربی. عکس متعلق به قبل از قانون کشف حجاب رضاخان

شاهد مثال مدل تغییر فرهنگی نیهوف در ایران

مسیحیت انگلیکن در آغاز تأسیس کلیسای ایرانیان در قاجار (انگلیکن‌ها غالباً مسلمان‌زاده‌ها بودند)، از مدل ادغام فرهنگ‌های نیهوف استفاده کرد. کلیسای انگلیکن در قاجار مثل مساجد پرده جداکننده مردان و زنان داشت. شباهت تزئینات کلیسا با مسجد در کلیساهای اولیه قاجار بسیار بود. مدل تزئینات کلیسای ایرانیان انگلیکن با کلیساهای بومی ایرانی مانند گریگور و آشوری متفاوت بود.



کاشی کاری از کلیسا انگلیکن اصفهان - تلفیق هنر ایرانی-اسلامی با مفاهیم مسیحیت
 کلیساهای آرامنه گریگور هنر ارمنی مسیحی مخصوص به خود دارند



کلیسا انگلیکن اصفهان در اواخر قاجار با پرده جداکننده زنان و مردان

نتیجه گیری

میسولوژی دارای روش‌های پیچیده و بسیار علمی است. بحث فرهنگ و تغییر فرهنگ از استراتژی‌های اصلی میسیونرهای مسیحی در صد سال اخیر بوده است.

هدف اصلی میسیونرها تغییر فرهنگی در بطن جامعه برای کل مردم ایران بوده است تا در دهه‌های آینده، این تغییر فرهنگ باعث تغییر جهان‌بینی شود و در مراحل بعدی، موج‌هایی از تغییر دین در ایران به وجود آید.

زمانی مسیحیان غالباً تلاش می‌کردند از قدرت سیاسی و اقتصادی خود در بشارت استفاده کنند. اما امروزه بسیاری از میسیونرهایست‌ها، این روش‌ها و گذشته‌استعماری میسیون مسیحی - که از قدرت سیاسی و اقتصادی برای تبشیر مسیحیت استفاده می‌کردند - را انکار می‌کنند. میسیونرهایست‌ها با ایجاد پارادایم‌های جدید تبشیری، سعی می‌کنند از روش‌های امپریالیستی قدیمی که منجر به تحمیل فرهنگ و زبان می‌شد، استفاده نکنند.^۱ تغییر فرهنگ استراتژی گذشته مسیحیت تبشیری است، ولی عوارض آن تا به حال ادامه داشته است. گام جدید مسیحیت تبشیری، ایجاد پارادایم‌های جدید است تا طبق مدل تغییر جهان‌بینی پاول هیبرت، جهان‌بینی‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد.

1. Murray, Stuart. Post Christendom: Church and Mission in a Strangle Land. Carlisle: Paternoster Press, 2004, 83-88.

فهرست منابع

- ام رینگر، مونیکا، آموزش دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، ققنوس، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- Heather J. Sharkey. Cultural Conversions Unexpected Consequences of Christian Missionary Encounters in the Middle East, Africa, and South Asia. Syracuse University Press. 2013
- John Mark Terry. Missiology: An Introduction to the Foundations, History, and Strategies of World Missions. Nashville, Broadman & Holman Publishers, 1998
- Jasamin Rostam-Kolayi. From Evangelizing to Modernizing Iranians: The American Presbyterian Mission and its Iranian Students. Iranian Studies, volume 41, number 2, April 2008
- Louis J. Luzbetak, S.V.D. THE CHURCH AND CULTURES New Perspectives in Missiological Anthropology. Published by Orbis Books, Maryknoll. 1988
- MAN SOO (ABRAHAM) MOK. Anthropology from Asian Missiological Insights. PETER LANG. New York. 2013
- Macionis, John J; Gerber, Linda Marie. Sociology. Toronto: Pearson Prentice Hall (2011)
- Macionis, John, and Linda Gerber. "Chapter 3 - Culture." Sociology. 7th edition ed. Toronto, ON: Pearson Canada Inc., 2010. 54
- Murray, Stuart. Post Christendom: Church and Mission in a Strangle Land. Carlisle: Paternoster Press, 2004, 83-88
- Michael P. Ziririsky. Harbingers of Change: Presbyterian Women in Iran, 1883-1949. American Presbyterians, Vol. 70, No. 3
- Paul G. Hieber. Transforming Worldviews: An Anthropological Understanding Of How People Chang. Published by Baker Academic a division of Baker Publishing Group. 2008
- Paul G. Hiebert. Conversion and Worldview Transformation. INTERNATIONAL JOURNAL OF FRONTIER MISSIONS. 2010-05-19